

## اعجاز قرآن کریم در شناسایی و مهار آثار نورویولوژیک استرس‌های جنسی

زینب اختری<sup>۱</sup>، مریم صالحی<sup>۲</sup>، هدایت صحرایی<sup>۳</sup>، محمد ساقیان<sup>۴</sup>

۱- دانشجوی دکتری پژوهشکده نهج البلاغه

۲- عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات علوم اعصاب دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله (عج)

۳- دانشجوی دکتری مرکز تحقیقات علوم اعصاب دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله (عج)، sarih2012@gmail.com

۴- رئیس مرکز تحقیقات علوم اعصاب دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله (عج)

### چکیده

از دیدگاه نورویولوژی، تحریک‌های جنسی مداوم به عنوان عامل استرس زا شناخته می‌شوند که با ارضای صحیح میل جنسی، این استرس‌ها مهار می‌گردند ولی در صورت عدم پاسخ مناسب به آن‌ها، می‌توانند موجب برهم خوردن تعادل هورمون‌های جنسی و هورمون‌های استرسی و در نتیجه، بروز آثار نامطلوبی شامل تنش‌های روانی، تغییر خلق و خو، اختلال در تمایلات جنسی، برخی بیماری‌ها و انحرافات جنسی، بلوغ زودرس و آسیب‌های خلقی و روانی ناشی از آن و نیز آسیب به عملکرد مغز شوند. شدت و تداوم تحریکات استرس زای جنسی، می‌تواند سطح توقع فرد را در ارضای جنسی بالا ببرد و به دلیل ایجاد نارضایتی، عدم ارضای جنسی و بی‌میلی جنسی نسبت به همسر، موجب بروز رفتارهای هیجانی و خارج از کنترل، بروز بی‌عفتی و بیش‌فعالی جنسی در جامعه گردد و به گسترش طلاق بینجامد، چراکه عدم رضایت از شریک جنسی، فرد را به روابط ناسالم جنسی در بیرون از حریم خانواده و به تحریک کنندگان جنسی دیگری غیر از

همسرش متمایل می‌نماید. قرآن کریم با شناخت درست عوامل استرس زای جنسی و پیامدهای آن، فرهنگ عفاف و حجاب را در چارچوبی حکمت آمیز ارائه کرده است تا تحریک گری جنسی را تنها در فضای مناسب روابط همسری منحصر نماید و با پیشگیری از تأثیر منفی تحریک گری‌های مداوم جنسی در سطح جامعه، از آسیب‌های یادشده جلوگیری گردد. حجاب و عفاف از دیدگاه نوروبیولوژی، خود دارای دو جنبه است؛ یکی اینکه شخص ورودی‌های تحریک جنسی را دریافت نکند و دیگر اینکه، از اعمالی که بطور طبیعی به تحریک جنسی دیگران می‌انجامد، خودداری کند. بر اساس ساختار مغزی زن و مرد، خصوصاً در بخش هیپوتالاموس که منتهی به فعالیت بیشتر غدد جنسی در مردان نسبت به زنان می‌شود، بنظر می‌آید نقش زن در جلوگیری از ایجاد محرک‌های جنسی و نقش مرد در کنترل ورودی‌های تحریک جنسی، اهمیت بیشتری دارد. همچنین، به دلیل بزرگتر بودن اندازه بخش آمیگدال مغز، مردان پاسخ‌های قوی‌تری به تحریکات جنسی می‌دهند و اگر ورودی‌های تحریک آمیز جنسی یکسانی به مرد و زن وارد کنیم، بر اساس سطح تحریک پذیری بیشتر مرد، انتظار می‌رود پاسخ‌های هیجانی بیشتری بروز دهد و توانایی کنترل هیجانی پائین‌تری داشته باشد، به همین دلیل اگرچه تحریک گری جنسی مردان هم می‌تواند برای زنان و مردان دیگر هیجان برانگیز باشد ولی تحریک گری جنسی از سوی خانم‌ها، اثر بسیار شدیدتری بر مردان می‌گذارد و این امر، لزوم پوشیدگی و رفتار عقیفانه را از سوی زنان اهمیت بیشتری می‌بخشد. مردان نیز باید با رعایت عفاف و پرهیز از نگاه‌های شهوت انگیز و پرهیز از اختلاط با نامحرم، ورودی‌های حسی خود بویژه بینایی را کنترل کنند تا آثار نامطلوب استرس‌های جنسی بروز نکند.